
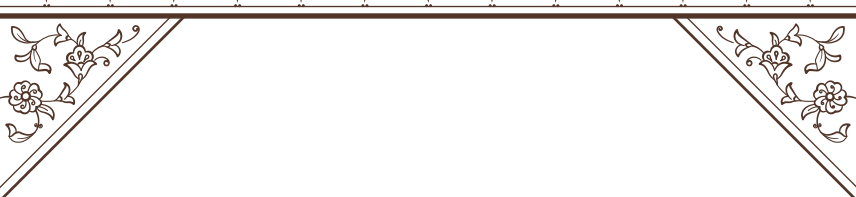




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





قَالَ مَوْلَانَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ:
«الْإِمَامُ الْأَيْبَسُ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّقِيقُ وَالْأَخُ
الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ وَمَفْزَعُ الْعِبَادِ
فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ...»

«امام برای امت همجون مونسی همراه و پدری دلسوز و برادری
تنی و مادری مهربان برای کودک صغیراست، و پناهگاه بندگان در
بلاهای سخت و دشوار است...»

(الكافي ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۱۹۹)





جلد پنجم
برہین قرآنی (۲)

دلایلیہ

از منظر تفسیر و نقل

محمد تقی فیاض بخش ❁ فرید محسنی



سرشناسه: فیاض بخش، محمدتقی، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پدیدآور: ولایت و امامت از منظر عقل و نقل /
محمدتقی فیاض بخش، فرید محسنی.
مشخصات نشر: تهران: فیض فرزانه، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۶ ج.
شابک:

دوره: ۸-۱-۹۵۹۹۵-۶۲۲-۹۷۸-
ج. ۱: ۱-۹۵۹۹۵-۶۲۲-۹۷۸-
ج. ۲: ۵-۲-۹۵۹۹۵-۶۲۲-۹۷۸-
ج. ۳: ۳-۲-۹۵۹۹۵-۶۲۲-۹۷۸-
ج. ۴: ۶-۱-۹۵۹۲۱-۶۲۲-۹۷۸-
ج. ۵: ۳-۱-۹۵۹۲۱-۶۲۲-۹۷۸-
ج. ۶: ۰-۲-۹۵۹۲۱-۶۲۲-۹۷۸-

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتاب حاضر با همین عنوان در شش جلد توسط
انتشارات فردا در سال ۱۳۹۷ فیبا دریافت کرده است.
یادداشت: کتابنامه.
مندرجات:

۱. ج. براهین عقلی.
۲. ج. براهین اجتماعی.
۳. ج. براهین فلسفی و عرفانی.
۴. ج. براهین قرآنی ۱.
۵. ج. براهین قرآنی ۲.
۶. ج. براهین قرآنی ۳.
موضوع: ولایت

موضوع: Sainthood*

موضوع: امامت

موضوع: Imamate

موضوع: ولایت -- جنبه‌های قرآنی

موضوع: Sainthood -- Qur'anic teaching*

موضوع: امامت -- جنبه‌های قرآنی

موضوع: Imamate -- Qur'anic teaching

شناسه افزوده: محسنی، فرید، ۱۳۴۴ -

شناسه افزوده: موسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی علیه السلام

رده‌بندی کنگره: BP۲۳۳/۸

رده‌بندی دیوبندی: ۲۹۷/۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۳۲۵۷۳

مؤسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی علیه السلام

تلفن: ۰۹۰۳۳۹۸۷۹۹۰، (۰۲۱) ۳۳۹۸۷۹۹۰

سایت: www.jelveh.org



عنوان کتاب: ولایت و امامت از منظر عقل و نقل

(جلد پنجم: براهین قرآنی؛ بخش دوم)

مؤلفان: محمدتقی فیاض بخش، فرید محسنی

ویراستاری: محمدعلی فیاض بخش

بازبینی منابع: سعید خیابانی

ناشر: انتشارات فیض فرزانه

ناشر همکار: انتشارات واژه پرداز اندیشه

نویت چاپ: اول، ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

مرکز پخش: ۰۹۱۲۷۹۷۴۷۵۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹۲۱-۱-۳

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹۹۵-۱-۸

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به

مؤسسه جلوه نور علوی علیه السلام است.



براهین شش جلد در یک نگاه

جلد اول - براہین کلامی

مقدمہ

کلیاتی دربارهٔ امامت عامہ

برہان اول ♦ امام؛ لطف الہی

برہان دوم ♦ امام؛ مبین دین

برہان سوم ♦ امام؛ مظهر ولایت

جلد دوم - براہین اجتماعی

برہان چہارم ♦ امام؛ حاکم الہی

برہان پنجم ♦ امام؛ امین الہی

برہان ششم ♦ امام؛ راہنمای عقول

برہان ہفتم ♦ امام؛ ہادی بہ عالم ملکوت

برہان ہشتم ♦ امام؛ ہادی بہ مقام مخلصین

جلد سوم - براہین فلسفی و عرفانی

برہان نہم ♦ امام؛ پاسخ بہ سعادت طلبی انسان

برہان دہم ♦ امام؛ واسطہ فیض الہی

برہان یازدہم ♦ امام؛ غایت از آفرینش

برہان دوازدهم ♦ امام؛ اشرف نوع انسانی

جلد چہارم - براہین قرآنی (۱)

مقدمہ

برہان اول ♦ آیہ ولایت

برہان دوم ♦ آیہ امامت

برہان سوم ♦ آیہ خلافت

برہان چہارم ♦ آیہ تبلیغ

برہان پنجم ♦ آیہ اولی الامر

برہان ششم ♦ آیات ہدایت

برہان ہفتم ♦ آیہ اکمال

برہان ہشتم ♦ آیہ نور

برہان نہم ♦ سورہ قدر

برہان دہم ♦ آیہ صراط المستقیم

برہان یازدہم ♦ آیہ شفاعت

برہان دوازدهم ♦ آیہ شہادت

جلد پنجم - براہین قرآنی (۲)

برہان سیزدہم ♦ آیہ اجتباء

برہان چہاردهم ♦ آیہ رؤیت اعمال

برہان پانزدہم ♦ آیہ جبل اللہ

برهان شانزدهم ♦ آیه سلام
برهان هفدهم ♦ آیه علم الكتاب
برهان هجدهم ♦ آیه تأویل
برهان نوزدهم ♦ آیه تعلیم کتاب و حکمت
برهان بیستم ♦ آیه وارثان کتاب
برهان بیست و یکم ♦ آیه حفظ امانت
برهان بیست و دوم ♦ آیه رد الامور
برهان بیست و سوم ♦ آیه نعیم
برهان بیست و چهارم ♦ آیه مودت
برهان بیست و پنجم ♦ آیه مباهله
برهان بیست و ششم ♦ آیه بینه
برهان بیست و هفتم ♦ آیه تطهیر
برهان بیست و هشتم ♦ آیه تزکیه

جلد ششم - براهین قرآنی (۳)

برهان سی و یکم ♦ آیه صلۀ رحم
برهان سی و دویم ♦ آیه استقامت
برهان سی و ششم ♦ آیه اقامۀ وجه
برهان سی و هفتم ♦ آیه تکریم والدین
برهان سی و هشتم ♦ آیه بصیرت
برهان سی و نهم ♦ آیه سفیران الهی
برهان چهلم ♦ آیه نفر
سخن آخر

فہرست اجمالی جلد پنجم

برہان سیزدہم: آیہ اجتناء

۱۵	خلاصہ بیان
۱۷	فصل اول - توضیح واژہا و نکات ادبی
۳۱	فصل دوم - بیان استدلال
۴۹	فصل سوم - مبانی روایی برہان

برہان چہاردم: آیہ رؤیت اعمال

۵۵	خلاصہ بیان
۵۷	فصل اول - توضیح واژہا و نکات ادبی
۶۳	فصل دوم - بیان استدلال
۸۷	جمع بندی و نتیجہ گیری
۸۹	فصل سوم - مبانی روایی برہان
۹۳	فصل چہارم - نکات تکمیلی

برہان پانزدہم: آیہ جبل اللہ

۹۹	خلاصہ بیان
۱۰۱	فصل اول - توضیح واژہا و نکات ادبی
۱۰۷	فصل دوم - بیان استدلال
۱۲۵	فصل سوم - پاسخ بہ شبہات
۱۳۳	فصل چہارم - مبانی روایی برہان
۱۳۷	فصل پنجم - نکات تکمیلی
۱۵۱	جمع بندی و نتیجہ گیری

برهان شانزدهم: آیه سلام

۱۵۵	خلاصه بیان
۱۵۷	فصل اول- توضیح واژه‌ها و نکات ادبی
۱۶۵	فصل دوم- بیان استدلال
۱۸۳	فصل سوم- مبانی روایی برهان
۱۸۷	فصل چهارم- نکات تکمیلی
۱۹۱	جمع بندی و نتیجه‌گیری

برهان هفدهم: آیه علم الکتاب

۱۹۹	خلاصه بیان
۲۰۱	فصل اول- توضیح واژه‌ها و نکات ادبی
۲۰۷	فصل دوم- بیان استدلال
۲۲۱	فصل سوم- مبانی روایی برهان
۲۳۱	جمع بندی و نتیجه‌گیری

برهان هجدهم: آیه تأویل

۲۳۵	خلاصه بیان
۲۳۷	فصل اول- توضیح واژه‌ها و نکات ادبی
۲۴۷	فصل دوم- بیان استدلال
۲۸۷	فصل سوم- پاسخ به شبهات
۲۹۳	فصل چهارم- مبانی روایی برهان
۳۳۷	جمع بندی و نتیجه‌گیری

برهان نوزدهم: آیه تعلیم کتاب و حکمت

۳۴۳	خلاصه بیان
۳۴۵	فصل اول- توضیح واژه‌ها و نکات ادبی
۳۵۱	فصل دوم- بیان استدلال
۳۷۳	جمع بندی و نتیجه‌گیری
۳۷۵	فصل چهارم- مبانی روایی برهان

برهان بیستم: آیه وارثان کتاب

۳۸۱	خلاصه بیان
۳۸۳	فصل اول- توضیح واژه‌ها و نکات ادبی
۳۹۱	فصل دوم- بیان استدلال
۴۰۳	فصل سوم- مبانی روایی برهان
۴۱۳	فصل چهارم- نکات تکمیلی
۴۱۷	جمع بندی و نتیجه‌گیری

برهان بیست و یکم: آیه حفظ امانت

۴۲۱	خلاصه بیان
۴۲۳	فصل اول- توضیح واژه‌ها و نکات ادبی
۴۳۱	فصل دوم- بیان استدلال
۴۵۵	فصل سوم- مبانی روایی برهان
۴۶۳	فصل چهارم- نکات تکمیلی
۴۶۹	جمع بندی و نتیجه‌گیری

برهان بیست و دوم: آیه رد الامور

۴۷۵	خلاصه بیان
۴۷۷	فصل اول- توضیح واژه‌ها، نکات ادبی و شأن نزول آیه
۴۸۱	فصل دوم- بیان استدلال
۴۹۵	فصل سوم- مبانی روایی برهان
۵۰۵	جمع بندی و نتیجه‌گیری

برهان بیست و سوم: آیه نعیم

۵۱۱	خلاصه بیان
۵۱۳	فصل اول- توضیح واژه‌ها و نکات ادبی
۵۱۹	فصل دوم- بیان استدلال
۵۳۷	فصل سوم- مبانی روایی برهان
۵۴۷	جمع بندی و نتیجه‌گیری

برهان بیست و چهارم: آیه مودت

۵۵۱	خلاصه بیان
۵۵۳	فصل اول- توضیح واژه‌ها و نکات ادبی
۵۶۳	فصل دوم- بیان استدلال
۵۹۱	جمع بندی و نتیجه‌گیری
۵۹۳	فصل سوم- نکات تکمیلی
۵۹۹	فصل چهارم- مبانی روایی برهان

فهرست‌ها

۶۱۱	فهرست تفصیلی
۶۲۶	فهرست منابع

برهان سیزدهم آیه اجتباء



این آیه در مقام ذکر صفات شاهدان بر خلق در دنیا و آخرت بعد از رسول خدا ﷺ است؛ آنان از فرزندان صلبی حضرت ابراهیم علیه السلام، اداکنندگان حق جهاد، در مقام تسلیم محض، در مرتبه مخلصین و مشرف بر عوالم ملک و ملکوت هستند.

❖ توضیح واژه‌ها و نکات ادبی

معنای واژه «خیر» / معنای واژه «تفلحون» / معنای واژه «جاهدوا» / معنای واژه «اجتباکم» / معنای واژه «ملّة» / معنای واژه «أب» / معنای واژه «مسلمین» / معنای واژه «السلام» / معنای واژه «شهید»

❖ بیان استدلال

سیاق آیات / دستورالعمل رسیدن به فلاح / مخاطب آیه اجتباء / رابطه جهاد و اجتباء / مقام اسلام و تسلیم / مقام شهادت بر مردم / علم و عصمت الهی شاهدان بر امت / جمع بندی استدلال / پاسخ به یک شبهه / بیان منطقی برهان

❖ مبانی روایی برهان

مخاطب آیه در مدارک عامه / مخاطب آیه در مدارک شیعه

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا
 رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٧٧﴾ وَجَاهِدُوا
 فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ
 عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ
 هُوَ سَمَّكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ
 الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ
 فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ
 مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾

﴿الحج﴾ ۷۷ و ۷۸ ﴿﴾

«ای گروه مؤمنان، در برابر پروردگارتان رکوع و
 سجود کنید (نماز به پا دارید) و پروردگارتان
 را پرستید و نیکی کنید؛ شاید رستگار شوید
 (۷۷). و در راه خدا آن گونه که شایسته است
 جهاد کنید و حق جهادش را ادا نمایید!
 او شما را برگزید و در دین (اسلام) تکلیف
 سختی (که خارج از طاقت شما باشد) قرار
 نداد. از آیین پدرتان ابراهیم علیه السلام پیروی کنید؛
 خداوند شما را در کتاب های پیشین و در این
 کتاب آسمانی «مسلمان» نامید، تا پیامبرگواه
 بر شما باشد و شما گواهان بر مردم! پس نماز
 را برپا دارید و زکات را بدهید و به خدا تمسک
 جوئید؛ که او مولا و سرپرست شماست! چه
 مولای خوب و چه یاور شایسته ای!»



خداوند در آیات قبل به مؤمنین دستور می‌دهد که نماز و عبادات و سایر امور خیر را کما هو حقّه انجام دهند؛ که این تنها راه فلاح است. بدیهی است که چنین راه خطیری نیازمند الگو است و برای همین، در آیه بعد، خداوند به معرفی انسان‌های برگزیده خود می‌پردازد و آن‌ها را با یک سری مشخصات به همگان معرفی می‌نماید؛ به این ترتیب که اولاً، آنان حق جهاد با شیطان درون و بیرون و تزکیه نفس را ادا می‌کنند و در نتیجه، در وجود آنان ذره‌ای زمینه برای اغوای شیطان وجود ندارد؛ ثانیاً، آنان برگزیدگان الهی هستند که سلامت و اسلام آنان مؤید به تأیید الهی است. لازمه نیل به چنین مقامی، رسیدن به مرتبه اشرف بر نفوس انسان‌ها و آگاهی از عوالم ملکوت است که وصف بارز همه انبیا و هادیان الهی علیهم‌السلام می‌باشد. بدیهی است که مصداق چنان افراد ارجمندی، که از نسل حضرت ابراهیم علیه‌السلام و در مقام عصمت و علم الهی هستند و رابط میان عالم امر و خلق، بعد از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم محسوب می‌شوند، تنها در وجود مبارک ائمه هدی علیهم‌السلام منحصر است؛ چنان‌که روایات عامّه و خاصّه به آن اشاره دارد.

فصل اول

توضیح واژه‌ها و نکات ادبی

ابتدا به بررسی واژگان مهم آیه مورد بحث می‌پردازیم.

مبحث اول - معنای واژه «خیر»

«خیر» در مقابل «شر» به کار می‌رود و عبارت است از آنچه که همه به آن تمایل دارند و آن را خوب می‌دانند.^۱ به عبارت دیگر، خیر یعنی آنچه عقل یا شرع حکم به برتری و فضیلت آن نسبت به سایر امور می‌دهد.^۲ بنابراین، خیر امری نسبی است که در نسبت سنجی چیزی با سایر امور، آن را به عنوان مختار و امر راجح، بر بقیه تفضیل می‌دهیم. با این توضیحات، در تحلیل هر امر خیری، دو قید را همیشه در آن مشاهده می‌کنیم؛ اولی برگزیدن و انتخاب و دومی تفضیل مختار بر سایر امور.^۳ در فرهنگ قرآن، آن حقیقتی که مجمع همه خوبی‌ها و سرچشمه همه کمالات و ملاک همه خیرات است، کلمه توحید است؛ چنان‌که فرمود:

﴿وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾^۴

بنابراین، اصل و ریشه همه خیرات به پروردگار بازمی‌گردد. ظرافت این نکته قرآنی هنگامی روشن‌تر می‌شود که در کتاب‌های لغت، معمولاً خیر را با ضد

۱- الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية (ط. دار العلم للملایین، بی‌تا)، ج ۲، ص ۶۵۱.

۲- مفردات ألفاظ القرآن (ط. دار القلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ هـ.ق.)، ص ۳۰۰.

۳- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ط. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ هـ.ش.)، ج ۳، ص ۱۵۸.

۴- طه، ۷۳.

آن یعنی شر ترجمه می‌کنند^۱ و شر هر چند به معنای امر زشت و قبیح و مرجوح است، ولی اصل در استعمال آن به پراکندگی و قطعه قطعه شدن و تکثر باز می‌گردد؛ چنان که شراهه آتش به قطعات پراکنده آتش گفته می‌شود و یا «تشریر اللحم» به تقطیع و خرد کردن گوشت و «تشریر الشیء» به پراکندن آن اطلاق می‌گردد^۲. بنابراین، اگر خیر ما را به سوی وحدت و یکپارچگی بر محور توحید هدایت می‌کند، شر به سوی پراکندگی و سردرگمی و زشتی‌ها سوق می‌دهد^۳. از نظر منطقی نیز، هر امر نسبی، در نسبت سنجی باید به امر مطلق بازگردد، تا بتوان با ملاک قرار دادن آن امر ثابت، سایر امور نسبی را نسبت سنجی کرد. به همین ترتیب، در فرهنگ قرآن، اصل و منشأ همه خیرات و ملاک سنجش خوبی و یا بدی آن‌ها پروردگار است^۴. بر این اساس، در امور نظری و اعتقادی، چیزی صحیح و مطابق با واقع است که در جهت و یا منطبق با توحید باشد. در امور عملی و کارهای صالح نیز، آن عملی ارزش دارد که خالص برای پروردگار باشد. خلوص در عمل و اعتقاد، عبد را تا به آنجا پیش می‌برد که یکپارچه تحت ولایت الهی قرار گرفته و عبد مخلص خداوند می‌شود؛ به گونه‌ای که تربیت و هدایت او را خداوند به عهده می‌گیرد.

با این توضیحات و با توجه به آنکه الف و لام در «النخیر» بیانگر جنس است، معنای آیه شریفه «وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۵ چنین می‌شود:

۱- تاج العروس (ط. دار الفکر، بی تا)، ج ۶، ص ۳۷۷.

۲- معجم مقاییس اللغة (ط. مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴هـ.ق.)، ج ۳، ص ۱۸۰.

۳- معجم البیان فی تفسیر القرآن (ط. ناصر خسرو، ۱۳۷۲هـ.ش.)، ج ۲، ص ۵۴۸، و ج ۱۰، ص ۶۲۰.

۴- خداوند در آیات مختلف به این مطلب اشاره می‌نماید؛ او گاه همه خیرات را از سوی پروردگار بیان می‌نماید: «وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (الشوری، ۳۶) و یا خداوند را عین همه خیرات بیان می‌دارد: «وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (طه، ۷۳). این مطلب در ادعیه و کلمات اهل بیت علیهم السلام نیز با تعابیر گوناگون وارد شده؛ چنان که در دعای مباحله می‌خوانیم: «يَا حَمِيدُ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ وَبِيَدِكَ الْأَمْرُ كُلُّهُ وَمِنْكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ» (إقبال الأعمال (ط. دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۹هـ.ق.)، ج ۱، ص ۵۲۱) و نیز در دعای بعد از فرائض، خطاب به خداوند می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَلَكَ السَّلَامُ وَ إِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ» (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام (ط. مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۶هـ.ق.)، ص ۱۱۵، باب ۷، الصلوات المفروضة)

۵- الحج، ۷۷.

«خداوند امر می‌کند که در تمام امور عبادی و اجتماعی و احکام وضعی و تکلیفی، باید مختار شما امر الهی باشد و در اعمال و نیات، خالصاً لوجه الله عمل کنید، تا کار شما مصداق خیر قرار گیرد، تا رستگاری حقیقی شامل حال شما شود.»

❖ مبحث دوم - معنای واژه «تفلحون» ❖

اصل در معنای این لغت «شکافتن» است. لذا در مثل عرب گفته می‌شود: «الحدید بالحدید یفلح»؛ یعنی آهن با آهن شکافته می‌شود.^۱ به بزرگر، چون زمین را با شخم زدن می‌شکافد، «فلاح» گفته شده. بنابراین، واژه «فلاح» به معنای نجات از شر و وادراک خیر و صلاح و قرار گرفتن در نعمت‌های گوناگون و خیرات است.^۲ در فرهنگ قرآن، سعادت حقیقی که فنا و ذلتی در آن نیست، به معنی قرار گرفتن دائمی تحت ولایت الهی و رسیدن به حیات طیبه است؛ چنان‌که خداوند با بیان‌های گوناگونی در قرآن به آن اشاره فرموده:

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾^۳

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾^۴ و

در نتیجه، می‌توان گفت انسان «مفلح» کسی است که به نور ایمان شرح صدر یافته و از تنگ‌نظری کفر به سعه صدر ایمان راه یافته است:

﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ

يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأْتَمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ

الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾^۵

۱- المحيط فی اللغة (ط. عالم‌الکتب، بی‌تا)، ج ۳، ص ۱۰۵.

۲- المحکم و المحيط الأعظم (ط. دارالکتب العلمیة، بی‌تا)، ج ۳، ص ۳۵۱.

۳- البقرة، ۲۵۷.

۴- الانفال، ۲۴.

۵- المیزان فی تفسیر القرآن (ط. جامعه مدرسین، ۱۴۱۷هـ.ق.)، ج ۶، ص ۱۵ و ج ۲۰، ص ۲۹۸.

۶- الانعام، ۱۲۵.

وفطرت توحیدی او، به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام، برانگیخته شده و گسترش یافته است.^۱

❖ • مبحث سوم - معنای واژه «جاهدوا» • ❖

واژه «جهد» به معنای تلاش فراوان همراه با تحمل رنج و مشقت و مجاهده است^۲ و «مجاهده» یعنی کسی نهایت تلاش و منتهای سعی را در رسیدن به هدف مبذول نماید؛ به گونه‌ای که بالاتر از آن برای او مقدور نباشد.^۳ قابل توجه آنکه تحمل مشقت‌های فراوان و ازپای ننشستن در مبارزه با دشمن و به کار بردن نهایت قدرت و توان تا رسیدن به قله مقصود، وجه مشترک کتاب‌های لغت و تفسیر در این واژه است.^۴

❖ • مبحث چهارم - معنای واژه «اجتنبوا» • ❖

واژه «اجتنبوا» از ماده «ج ب و» به معنای جمع کردن است.^۵ باب افتعال به نوعی پذیرش و قبول اشاره دارد و اجتناب به معنی جمع کردن گروهی و انتخاب آن‌ها به طریق «اصطفاء» است؛^۶ به گونه‌ای که نعمت‌های ویژه و معالی امور و عنایات خاص برای مجتبی از سوی مجتبی فراهم آید.^۷ هنگامی که در قرآن اجتناب به پروردگار نسبت داده شود، اشاره به مقام بلندی برای مجتبی دارد؛ چنان‌که راغب می‌گوید:

«اجْتِنَاءُ اللَّهِ الْعَبْدَ يَعْنِي تَخْصِيصَهُ إِيَّاهُ بِفَيْضِ الْهَيْبَةِ يَتَحَصَّلُ لَهُ مِنْهُ أَنْوَاعٌ مِنَ النِّعَمِ بِالْإِسْعَى مِنَ الْعَبْدِ وَذَلِكَ لِلْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَبَعْضٌ مِنْ يَقَارِبِهِمْ مِنَ الصَّادِقِينَ

۱- «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ، لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِثْلَاقِ فِطْرَتِهِ وَيَذَكِّرُوهُمْ مَنِيِّ نَعْمَتِهِ وَيَحْتَجُوا عَلَيْهِمْ بِالتَّوْبَةِ وَيُنِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ.» (نهج البلاغة (للصّحبي صالح) (ط. هجرت، ۱۴۱۴هـ.ق.)، خطبه ۱).

۲- الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، ج ۲، ص ۴۶۰.

۳- مفردات ألفاظ القرآن، ص ۲۰۸.

۴- لسان العرب (ط. دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، ۱۴۱۴هـ.ق.)، ج ۳، ص ۱۳۳؛ الميزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۴۹؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۵۴۰.

۵- معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۵۰۳.

۶- لسان العرب، ج ۱۴، ص ۱۲۸؛ مفردات ألفاظ القرآن، ص ۱۸۷.

۷- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۱۹.

والشهداء؛ كما قال تعالى: ﴿وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ﴾^۱ و﴿وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^۲ وقوله تعالى: ﴿ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ وَقَتَابَ عَلَيْهِ وَهْدَى﴾^۳ وی این قاعده کلی را درباره همه بندگان مخلص که دائماً در مراقبه و توجه به خداوند هستند و چیزی آن‌ها را از خداوند مشغول نمی‌کند، بیان داشته؛ چنان که خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدارِ﴾^۴

این معنا در توضیح مرحوم علامه طباطبایی چنین آمده است: بنده مجتبی و برگزیده الهی کسی است که از رحمت خاص پروردگار برخوردار است؛ به گونه‌ای که او را از همه خواطر شیطانی و راه‌های پراکنده و شروری که از صراط مستقیم دورش می‌سازد، مصون و محفوظ می‌دارد و خداوند خود متولی امور او در زندگی و هدایت به فلاح و رستگاری می‌شود؛ تا به آنجا که او عبد مخلصی می‌گردد که در قلب او احدی جز پروردگار راه ندارد؛ همان گونه که امام صادق علیه السلام فرمود:

«الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ»^۵

◆ • مبحث پنجم - معنای واژه «ملّة» • ◆

این واژه به معنای دین و شریعت است:

﴿فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا﴾^۶

اصل آن از «أملت الكتاب» است و دین را بدان جهت ملّت گویند که از جانب خدا «املاء» شده است. فرق دین با ملّت آن است که ملّت فقط به پیامبران علیهم السلام نسبت داده می‌شود نه به احاد امت و گفته نمی‌شود: ملّت خدا و

۱- یوسف، ۶.

۲- الانعام، ۸۷.

۳- طه، ۱۲۲.

۴- ص، ۴۶.

۵- المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۷۹.

۶- آل عمران، ۹۵.

یا ملّت زید؛ ولی گویند دین خدا و دین زید. خلاصه آنکه دین به خدا و پیامبر و شخص نسبت داده می‌شود؛ اما ملّت فقط به رهبر و آورنده دین اضافه می‌شود^۱.

❦ مبحث ششم - معنای واژه «آب» ❦

اصل در این لغت به معنای پدر صلبی و یا جدی می‌باشد^۲ و در مرتبه دوم به مربی و واسطه تربیت اطلاق می‌گردد. بنابراین، «مِلَّةٌ أَبِیْکُمْ» یعنی آیین پدر صلبی تان ابراهیم علیه السلام؛ چنان‌که حضرت یوسف علیه السلام «مِلَّةَ آبَائِی» را درباره جد پدر به کاربرد و فرمود:

﴿وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِیْ اِبْرَاهِیْمَ وَاِسْحَاقَ وَیَعْقُوبَ﴾

نتیجه آنکه، خطاب اولیه در این آیه به آن دسته از مخلصین و برگزیدگان الهی است که از فرزندان صلبی حضرت ابراهیم علیه السلام هستند؛ هرچند در مرتبه دوم خطاب به مخلصین از مؤمنینی است که تسلیم محض درگاه الهی اند و از صلب ابراهیم علیه السلام نیستند، اما فرزند معنوی ایشان محسوب می‌شوند^۳.

❦ مبحث هفتم - معنای واژه «مسلمین» ❦

اصل در این واژه «س ل م» است که در مقابل خصومت و دشمنی به کار می‌رود. معنای «سلم» عبارت است از موافقت کامل با امری در ظاهر و باطن؛ به گونه‌ای که هیچ مخالفتی در بین نباشد و از لوازم آن، مفهوم انقیاد و صلح و رضا است. البته برخی، معنای محوری آن را به صحت و عافیت گرفته‌اند^۴.

❦ مبحث هشتم - معنای واژه «السلام» ❦

این لغت مصدر است، مانند الکلام، و معنای آن عبارت است از توافق

۱- قاموس قرآن (ط. دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱)، ج ۶، ص ۲۸۹.

۲- لسان العرب، ج ۱۴، ص ۶.

۳- مفردات ألفاظ القرآن، ص ۵۷؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۴۴.

۴- معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۹۰.